





رساله دکتری

گروه: مدرسی معارف اسلامی

گرایش تاریخ و تمدن اسلامی

عنوان:

علل عدم گسترش و ناپایداری تشیع در اندلس

استاد راهنما:

جناب آقای دکتر سید احمد رضا خضری

استادان مشاوره:

جناب آقای دکتر نعمت الله صفری

جناب آقای دکتر صادق آینه وند

نگارش:

حسین خسروی

سال دفاع

۱۳۹۲

کلیه حقوق اعم از چاپ و تکثیر، نسخه برداری، ترجمه، اقتباس و ... از رساله برای
دانشگاه معارف اسلامی محفوظ است. نقل مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است.

تقدیم با تواضع و پوزش به:

بنیانگذار و مؤسس مکتب تشیع و امام عصر (عج)

خانواده ام؛ مادر، همسر و فرزندانم که در تمام دوره طولانی تعلّم کاستی ها را بر جان خریدند و با صبر خود ادامه راه را بر من آسان کردند، با آرزوی قبول این شکرگزاری از سوی خداوند منان.

من لم يشكر المخلوق لم يشكر الخالق

تشکر و سپاس

بر خود لازم می دانم سپاس خود را نثار اساتید محترم و فرهیخته ام از آغاز تعلیم و تربیت تا کنون و پس از این نمایم و از خداوند برای ایشان عاقبت با عافیت و خیر مدام مسئلت نمایم چه آنان که اینک در میان ما نیستند و رخ در نقاب خاک کشیده و میان افلاکیان رحل اقامت افکنده اند و چه آنان که فرصت خدمت به خلق خدا بر ایشان نعمتی مستدام است

به ویژه استاد محترم راهنما جناب آقای دکتر خضری و مشاوران محترم جناب آقای دکتر صفری و جناب آقای دکتر آینه وند. اساتید محترم داور جناب دکتر بادکوبه، جناب دکتر جباری، جناب دکتر ورکیانی، و سرکار خانم دکتر جان احمدی و اولیاء محترم دانشگاه معارف اسلامی که زمینه استفاده از اساتید مجرب را فراهم ساختند و محیط مناسبی را برای دانش پژوهان مهیا نمودند اعم از ریاست محترم دانشگاه و معاونین محترم ایشان و مدیر محترم گروه جناب آقای دکتر نصیری و همچنین تمامی کارکنان گرانقدر و زحمت کش این دانشگاه و دوستانم که با بردباری در مباحثات دوسویه شرکت کردند و به هر چه پخته تر شدن مباحث کمک کردند بویژه جناب آقای سهراب اسلامی .

چکیده

با تسلط مسلمانان بر اندلس، به مرور آئین و فرهنگ اسلامی در میان ساکنان آنجا گسترش یافت. با این همه به رغم آنکه اندیشه‌های مختلف دینی و گرایش‌های گوناگون مذهبی مجالی برای بروز و ظهور در اندلس (در دوره اسلامی) به دست آوردند، تشیع در شمار معدود مذاهبی بود که اساساً فرصتی برای بیان مبانی اعتقادی خود به دست نیاورد و به سبب وجود عواملی چند، راه برگسترش و تثبیت اندیشه‌های شیعی در اندلس بسته شد. پرسش اصلی در این پژوهش آن است که علل و عوامل عدم گسترش و ناپایداری تشیع در اندلس چه بود و سیاست‌ها و برنامه‌های حکمرانان اندلس خاصه امویان چه تأثیری در این موضوع داشته است؟ یافته‌های نگارنده در پاسخ به سؤال اصلی تحقیق از این قرار است که: اندلس از زمان فتح تا سرنگونی خلافت اموی در قرطبه ماهیتی اموی داشت که سیاست‌های خود را بر مبنای نادیده گرفتن حق اهل بیت استوار ساخته بود. امویان با حمایت همه جانبه از مذهب مالکی، مجال هر گونه فعالیت را از دیگر مذاهب، خاصه تشیع سلب کردند. انکار حقایق شیعه و انتساب به یهودیت و مسیحیت، مبارزه فراگیر با حکومت‌های شیعی در خارج از اندلس، نگارش آثاری بر ضد شیعه و اعتقادات آنها و جلوگیری از انتشار هر گونه مطلبی درباره عاشورا، پوشاندن واقعیات تاریخ تشیع، تشویق به ردیه نویسی در مسائل شیعی و سرکوب حرکت‌ها و قیام‌های شیعی همگی از جمله اقدام‌های حکومت اموی بر ضد تشیع در اندلس بود. این اقدام‌ها باعث شد تا فعالیت‌ها و کوشش‌های پیروان تشیع در اندلس به گونه‌ای آشکار محدود شده و شیعیان از بیان باورها و انجام مراسم مذهبی خود بازمانند. تنها پس از برافتادن امویان بود که شیعیان فرصتی هر چند کوتاه به دست آورده، با تأسیس خلافت حمودی توانستند شمه‌ای از حضور سیاسی-فرهنگی خود را در اندلس نشان دهند. با این همه به دلیل دور ماندن آنها از مراکز علمی، نهادها و عالمان و نظریه پردازان دینی و مذهبی خود، آشنایی چندانی با مبانی فکری اندیشه‌های کلامی و فلسفی شیعه نداشتند.

این پژوهش بر اساس روش تحلیلی و با استفاده از منابع، مآخذ و مطالعات تاریخی صورت گرفت. از این رو پرداختن به علل و عوامل عدم گسترش و زمینه‌های ناکامی تبلیغات شیعیان در اندلس و نیز علل ناپایداری این مذهب در آن سرزمین موضوعی بدیع و پژوهشی نوآورانه بود که لزوم بررسی و تحلیل منابع تاریخی را ایجاب می‌کرد.

کلید واژگان: اندلس، علل عدم گسترش تشیع، بنی حمود، امویان اندلس

فهرست مطالب

پیشگفتار.....	۱
۱- فصل اول: کلیات.....	۴
۱-۱- مسأله تحقیق.....	۵
۲-۱- هدف و ضرورت تحقیق.....	۷
۳-۱- سوال اصلی.....	۸
۴-۱- سوال های فرعی.....	۸
۵-۱- فرضیه اصلی.....	۸
۶-۱- فرضیه های فرعی.....	۸
۷-۱- پیشینه پژوهش.....	۹
۸-۱- تعریف مفاهیم و واژه ها.....	۱۱
۹-۱- بررسی منابع تحقیق.....	۲۲
۱۰-۱- درآمدی بر تاریخ حضور مسلمانان در اندلس.....	۴۵
۱-۱۰-۱- اسپانیا پیش از فتح توسط اعراب مسلمان.....	۴۵
۲-۱۰-۱- اسپانیا از فتح تا سقوط.....	۴۶
پی نوشت های فصل اول.....	۶۲
۲- فصل دوم: تشیع در اندلس.....	۶۶
۱-۲- درآمد.....	۶۷
۲-۲- ورود تشیع به مغرب.....	۷۳
۱-۲-۲- مرحله اول: از طریق بربرها.....	۷۴
۲-۲-۲- مرحله دوم: توسط حلوانی و سفیانی.....	۷۷
۳-۲-۲- مرحله سوم: علویان در مغرب.....	۸۳
۴-۲-۲- مرحله چهارم: ورود پیروان اهل بیت (ع) و شخصیت های علوی به اندلس.....	۸۹
۳-۲- کوشش فاطمیان برای انتشار تشیع در اندلس.....	۹۱
۱-۳-۲- مبلغان فاطمی در اندلس.....	۹۱
۴-۲- تشیع در اندلس در دوران بنی امیه.....	۹۵
۱-۴-۲- جنبش های شیعه در اندلس.....	۹۶
۵-۲- انتقال فرهنگ شیعی به اندلس.....	۹۹

- ۹۹ ۱-۵-۲ سفرهای علمی
- ۱۰۴ ۲-۵-۲ فلسفه و کلام
- ۱۰۶ ۳-۵-۲ تألیفات شیعی در اندلس
- ۱۰۷ ۶-۲ واکنش اموی ها علیه تشیع در اندلس
- ۱۱۰ ۱-۶-۲ سیاست امویان در شمال آفریقا
- ۱۱۰ ۲-۶-۲ تبلیغات سنی گری اموی ها در مغرب
- ۱۱۱ ۳-۶-۲ استقبال از پناهندگان سیاسی
- ۱۱۲ ۴-۶-۲ تشویق به ردیه نویسی در مسایل شیعی آفریقا
- ۱۱۳ پی نوشت های فصل دوم
- ۱۲۰ ۳. فصل سوم: ابزارها و شیوه های شیعیان برای انتشار تشیع
- ۱۲۱ ۱-۳ درآمد
- ۱۲۲ ۲-۳ ابزارها و شیوه های شیعیان برای انتشار تشیع
- ۱۲۲ ۱-۲-۳ اشعار شیعه در اندلس
- ۱۳۷ ۲-۲-۳ اصول و مبانی اعتقادی و سیاسی مذهب شیعه در شعر اندلس
- ۱۳۷ ۱-۲-۲-۳ امامت
- ۱۴۳ ۲-۲-۲-۳ سوگواری و مرثیه سرایی امام حسین (ع)
- ۱۶۰ ۳-۲-۲-۳ اثبات وصایت
- ۱۶۳ ۴-۲-۲-۳ فضائل اهل بیت (ع)
- ۱۶۵ ۵-۲-۲-۳ هجو دشمنان اهل بیت (ع) و برشمردن زشتی های آنان
- ۱۶۸ ۶-۲-۲-۳ ابراز مظلومیت اهل بیت (ع)
- ۱۶۹ ۷-۲-۲-۳ شفاعت
- ۱۷۰ ۸-۲-۲-۳ اظهار اعتقاد قلبی به حضرت مهدی (عج)
- ۱۷۱ ۳-۳ مراحل تقسیم بندی شعر شیعه در اندلس
- ۱۷۲ ۱-۳-۳ مرحله اول یا مرحله ابن هانی
- ۱۷۲ ۱-۱-۳-۳ شاعران این مرحله
- ۱۷۲ ۲-۱-۳-۳ ویژگی های مرحله اول
- ۱۷۳ ۳-۱-۳-۳ مشخصات آثار شعری در این مرحله از نقطه نظر فکری
- ۱۷۵ ۲-۳-۳ مرحله دوم یا مرحله حمودیان

- ۱۷۶.....۳-۲-۱ ویژگی های مرحله دوم.....
- ۱۷۷.....۳-۲-۲ جنبه های فکری شعر در این مرحله.....
- ۱۷۸.....۳-۳-۳ مرحله سوم یا مرحله پس از حمودیان تا خارج شدن اندلس از دست مسلمانان(۵۴۲-۸۹۸ق).....
- ۱۷۹.....۳-۳-۱ شاعران این مرحله.....
- ۱۸۰.....۳-۳-۲ ویژگی های مرحله سوم.....
- ۱۸۵.....۳-۳-۳ رویکرد فکری اشعار این مرحله.....
- ۱۸۶.....۳-۳-۴ ادبیات مرثیه سرایی در دوره مرابطین و موحدون.....
- ۱۸۹.....۳-۴ نقش خاندان بنی حمود در گسترش و انتشار فرهنگ و اندیشه شیعی در اندلس.....
- ۱۹۱.....۳-۵ علوم و عالمان شیعی حمودی در اندلس.....
- ۱۹۱.....۳-۵-۱ فقه و فلسفه.....
- ۱۹۶.....۳-۵-۲ حدیث.....
- ۱۹۹.....۳-۵-۳ تاریخ.....
- ۲۱۰.....۳-۵-۴ جغرافیا.....
- ۲۱۳.....۳-۵-۵ عرفان و تصوف.....
- ۲۱۶.....۳-۵-۶ ادبیات.....
- ۲۱۷.....۳-۵-۷ هندسه و ستاره شناسی.....
- ۲۱۸.....پی نوشت های فصل سوم.....
- ۲۲۴.....۴.فصل چهارم: علل عدم گسترش و ناپایداری تشیع در اندلس.....
- ۲۲۵.....۴-۱ درآمد.....
- ۲۲۶.....۴-۲ موانع زمینه ای.....
- ۲۲۶.....۴-۲-۱ تقابل عباسیان با علویان.....
- ۲۳۰.....۴-۲-۲ تقابل عباسیان با فاطمیان.....
- ۲۳۱.....۴-۲-۳ حساسیت عباسیان به فاطمیان.....
- ۲۳۳.....۴-۲-۴ تلاش فاطمیان برای تغییر شعائر مذهبی اهل سنت.....
- ۲۳۶.....۴-۲-۵ نقش مصر در روابط فاطمیان و عباسیان.....
- ۲۳۷.....۴-۲-۶ نظامیه ها علیه فاطمیان.....
- ۲۳۹.....۴-۳ موانع اصلی.....
- ۲۳۹.....۴-۳-۱ تلاش مورخان اموی و درباری برای پوشاندن واقعیات تاریخ تشیع.....

۲۴۳	استفاده ابزاری از مهدویت.....	۲-۳-۴
۲۴۵	مبارزه مرابطون با اندیشه های شیعی.....	۳-۳-۴
۲۴۶	مبارزه فراگیر با حکومت های شیعی در خارج از اندلس.....	۴-۳-۴
۲۵۷	موضع نظام سیاسی در اندلس نسبت به تشیع.....	۵-۳-۴
۲۵۹	همپیمانی امویان با دولت های خارجی.....	۶-۳-۴
۲۵۹	پشتیبانی امویان از مذهب مالکی و گسترش آن در اندلس.....	۷-۳-۴
۲۶۳	موضع منفی مردم نسبت به تشیع در اندلس.....	۸-۳-۴
۲۶۴	سرکوب حرکت ها و قیام های شیعی در اندلس.....	۹-۳-۴
۲۶۶	موضع امویان نسبت به روز عاشورا.....	۱۰-۳-۴
۲۶۷	عاشورا در آراء محققان اندلسی.....	۱۱-۳-۴
۲۶۷	عاشورا از دیدگاه ابن عربی.....	۱-۱۱-۳-۴
۲۷۳	فلسفه عاشورا در مقدمه ابن خلدون.....	۲-۱۱-۳-۴
۲۸۲	مبارزه فراگیر برای از بین بردن ادبیات و شعر شیعی.....	۱۲-۳-۴
۲۸۷	ایجاد تردید در هویت شیعی شعرا.....	۱۳-۳-۴
۲۹۰	پی نوشت های فصل چهارم.....	
۲۹۳	فصل پنجم: علل ناکامی بنی حمود در انتشار و گسترش تشیع در اندلس.....	
۲۹۴	۱-۵ زمینه های پیدایی بنی حمود.....	
۲۹۷	۲-۵ خلافت بنی حمود و بربرهای شیعه در جنوب اندلس.....	
۳۱۸	۳-۵ علل ناکامی و ناپایداری تشیع در زمان بنی حمود.....	
۳۲۱	پی نوشت های فصل پنجم.....	
۳۲۴	فصل ششم: نتیجه گیری و پیشنهادها.....	
۳۳۰	فهرست منابع.....	
۳۵۴	نمایه.....	
۳۸۱	نقشه ها.....	

پیشگفتار

اندلس نامی است که مسلمانان به بخشی از شبه جزیره ایبری در کنار دریای مدیترانه واقع در جنوب اسپانیا و جنوب شرقی پرتغال و گاه به تمام آن داده اند. اندلس از نام «واندال ها» قبیله ای از مردم ژرمن گرفته شده است که در اوایل سده پنجم میلادی پس از تجزیه امپراطوری روم غربی چندی در جنوب اسپانیا سکنی گزیدند و این سرزمین همانند سایر نواحی تحت نفوذ اسلام از قرون نخستین اسلامی مورد توجه مسلمانان قرار گرفت.^۱

سرانجام مسلمانان فتح اندلس را در زمان حکومت ولید بن عبدالملک اموی (۸۶-۹۶ ق) به فرماندهی طارق بن زیاد از سال ۹۲ ق/۷۱۱ م آغاز و تا سال ۹۵ آن دیار را به تصرف درآوردند. بدین ترتیب اندلس جزء سرزمینهای اسلامی شد و تحت تاثیر تحولات مثبت و منفی جهان اسلام قرار گرفت. این تاثیرپذیری منحصر به بعد خاصی نبود و تمام ابعاد سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اعتقادی زندگی آنان را در برمی گرفت، از طرف دیگر به دوره خاصی اختصاص نداشت و روابط و پیوند اندلس با جهان اسلام حتی پس از استقلال و مبدل شدن به یک قلمرو سیاسی خودکفا در دوره های بعد قطع نشد.^۳ هر چند سطح روابط یاد شده در دوره های گوناگون با یکدیگر تفاوت داشت.^[۱]

تاریخ اندلس به ویژه مورد توجه پژوهشگران معاصر قرار گرفت. طی این دوره مستشرقان و پژوهشگران عرب برخی از منابع نظم و نثر اندلس را چاپ و منتشر کردند.^۴ این منابع به وضوح نشان می دهد که اندلس از نظر فکری و سیاسی تحت تاثیر مشرق قرار داشت^[۲] و همین امر باعث شد تا برخی از پژوهشگران اظهار نمایند که اندیشه و فرهنگ و تمدن اندلس در دوران حکومت اسلامی زائیده افکار و فرهنگ و سیاست شرق بوده است.^۵ از طرف دیگر منابع یاد شده نشان دادند که اندلس

۱. علی بن احمد ابن حزم اندلسی، *جمهره انساب العرب*، ص ۳۱۶، ۳۱۰-۳۱۷.

۲. ابوالقاسم عبدالرحمان بن عبدالله ابن عبدالحکم، *فتوح مصر و اخبارها*، ص ۳۴۴ و صفحات بعد؛ ابوالحسن احمد بن یحیی بن جابر بلاذری، *فتوح البلدان*، ص ۲۲۸-۲۳۲؛ ابوجعفر محمد بن جریر طبری، *تاریخ الرسل والملوک*، تحقیق ابی الفضل ابراهیم، ج ۶، ص ۴۶۸؛ مجهول المؤلف، *تاریخ الاندلس*، بررسی و تحقیق عبدالقادر بوبایه، ص ۱۵۳-۱۵۶؛ عبدالعزیز بن ابراهیم عمری، *الفتوح الاسلامیه عبر العصور*، ص ۱۷۹-۱۸۸؛

watt montgomery Islamica Espanala History de Islamica Espanala, Madrid, 1974, p20.

۳. عبدالرحمان علی حبّی، *تاریخ الاندلس من الفتح الاسلامی حتی سقوط غرناطه*، ص ۳۹-۴۰؛ احمد هیکل، *الادب الاندلسی من الفتح الی سقوط غرناطه*، ص ۲۸-۲۹.

۴. جمعه شیخه، *القیمم والخصال فی شجرة الاستشراق الاسبانی الوارفه الظلال*، ص ۶-۷.

۵. احسان عباس، *تاریخ الادب الاندلسی عصر سیاده قرطبه*، ص ۳۹؛ ایگناتی یولیا کراچکوفسکی، *الشعر العربی فی الاندلس*، ترجمه محمد منیرمرسی، ص ۱۲.

تحت تاثیر مذاهب و فرقه های اسلامی پدیدار شده در مشرق قرار نگرفته بلکه کیش مالکی داشته است. این تناقض در ماهیت اطلاعات موجود در منابع یاد شده از نظر کمی و کیفی باعث شد تا پژوهش در موارد یاد شده رونق گیرد و در نتیجه تحقیقات و بحثهای علمی جدی صورت گرفته که در درک بسیاری از ابهامات و برچیده شدن آنها از تاریخ اسلام در سرزمین اندلس تأثیر به سزایی داشته است.

در عین حال کمبود اطلاعات موجود در آن دسته از منابع اندلس که به بعد اعتقادی پرداخته اند، باعث کاهش پژوهشها در این رابطه گردید. از این رو درهای پژوهش درباره مذاهب و فرق اسلامی در اندلس همچنان به روی پژوهشگران باز است. در اینجا تنها ابزار مورد نیاز پژوهشگر دقت نظر و تفحص است تا دریابد که چگونه سایر مذاهب همچون شافعی، حنبلی، ظاهری و فرقه های اسلامی همچون فرق خوارج، معتزله و شیعه از کانالهای مختلف به اندلس راه یافته اند. در این میان می توان به بررسی مواردی پرداخت که اندلسی ها پس از سفر علمی و دینی به مشرق نقل کرده، یا اهالی مشرق زمین پس از سفر به اندلس بازگو نموده و یا در نتیجه مبارزه سیاسی میان مغرب و اندلس بیان شده است. این دلیل و دلایل دیگر که در ذیل بدان پرداخته می شود، انگیزه انتخاب «موضوع علل عدم گسترش و ناپایداری تشیع در اندلس» برای رساله شد.

۱ - تحقیقات و پژوهشهای بسیاری در مورد تشیع به رشته تحریر درآمده اما این پژوهش ها از نظر زمانی و مکانی منحصر به مشرق اسلامی - زادگاه تشیع - بود، از این رو تاریخ تشیع در اندلس را مورد توجه قرار نداده است. شمار پژوهش های موجود درباره تاریخ تشیع در اندلس از تعداد انگشتان دست فراتر نمی رود. این پژوهش های کم شمار در طرح برخی ابعاد این مساله پیشگام و راهگشا بوده است. اعتقاد به این باور که موضوع جدیدی در این مساله موجود نیست چرا که در تاریخ نمی توان موضوعی را در خلا مورد مطالعه قرار داد. با وجود این تاکنون کسی را سراغ نداریم که موضوع را بدین صورت مورد بررسی قرار داده باشد.^[۳]

۲ - تحقیق و پژوهش در مورد تشیع در اندلس برای پر کردن خلأ موجود میان نسلهای مسلمان یک نیاز علمی به شمار می رود. این خلأ در نتیجه محدودیت های تاریخی تشیع از نظر رهبری و محاصره فکری و سیاسی آن در ذهن امت مسلمان استحکام یافته است.^۱

اشاره به دو نکته پیش از پرداختن به فصل ها و بخش های این پژوهش ضروری است. اول: منظور ما از تشیع در این تحقیق معنای خاص آن یعنی تشیع امامی اثنی عشری نیست و تمامی فرق تشیع را در بر می گیرد. دوم: در فصل بندی پژوهش خود از شیوه موضوعی استفاده شده و در این رابطه دوره

^۱ عبدالله غریفی، التشیع نشوؤه مراحلہ ومقوماته، ص ۱۲.

های تاریخی اندلس از نظر فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و فکری با ویژگی‌های خاص آن مورد توجه قرار گرفته است. بدیهی است که افراد نسبت به مذاهب و فرقه‌ها، دارای مواضع و رویکردهای متفاوتی باشند و بر همین اساس باید به هر یک از مراحل مستقل نگریست و در بررسی‌ها، شرایط خاص حاکم بر آن مرحله را در تمامی ابعاد مورد توجه قرار داد. به عنوان مثال نمی‌توان وضعیت معنوی، فرهنگی و سیاسی اندلس در دوره امارت و خلافت (دو دوره حاکمیت دولت اموی) را با وضعیت معنوی، فرهنگی و سیاسی اندلس در دوره ملوک الطوائفی یکسان دانست. بر این اساس پژوهش در قالب یک پیش‌گفتار، و شش فصل تنظیم شده است.

١. فصل اول:
كليات

۱-۱ مسأله تحقیق

مسلمانان پس از تصرف شبه جزیره ایبری نام اندلس را بر آنجا اطلاق کردند. این سرزمین همانند سایر نواحی جهان آن روز در جریان فتوحات مسلمانان مورد توجه قرار گرفت و سرانجام از سال ۹۲ ق / ۷۱۱ م تا ۹۶ ق / ۷۱۵ م به تصرف آنان در آمد. هم زمان با ورود مسلمانان به اندلس، اوضاع عمومی آن سرزمین بسیار نابسامان و آشفته بود. زیرا انواع مالیات‌ها؛ نبود آزادی و مساوات، فقر و تبعیض، بردگی و جهل بر دوش مردم سنگینی می کرد. مسیحیت آیین رسمی کشور بود و اقلیت‌های دینی حق اظهار عقیده و انجام دادن مراسم مذهبی خود را نداشتند. آنها گاهی مجبور بودند از عقاید خویش دست کشیده به آیین رسمی کشور درآیند و گرنه به بردگی مسیحیان در می آمدند.

با این حال، آن گاه که این سرزمین به تصرف مسلمانان درآمد و حکومت اسلامی در آنجا استقرار یافت، وضع این کشور دگرگون شد و نظام طبقاتی از بین رفت و یهودیان، مسیحیان و مسلمانان در کنار هم زندگی تازه ای را آغاز کردند. به احتمال زیاد تشیع با ورود فاتحان مسلمان وارد اندلس گردید و همزمان با گسترش فتوحات و افزایش شمار فاتحان به صورت تدریجی در میان برخی از قبائل عرب و بربر در حال گسترش بود و آثار خود را بر جای می نهاد. در واقع روند گسترش اسلام و پراکندگی جمعیتی علویان و اندیشه های شیعی نشان دهنده این واقعیت است که رد پای علویان در اندلس نیز همچون سایر سرزمین های تحت نفوذ اسلام به ماجرای فتوح و به تبع آن آغاز تبلیغات اسلامی و فرایند اسلامی شدن آن سرزمین باز می گردد. از این رو می توان گفت که تشیع نیز چون دیگر مذاهب اسلامی در آغاز ورود مسلمانان به اندلس، زمینه های لازم را برای گسترش مبانی اعتقادی خود فراهم می دید که در زیر به برخی از آنها اشاره می شود:

رد پای علویان در اندلس همچون سایر سرزمین های تحت نفوذ اسلام به ماجرای فتوح و به تبع آن آغاز تبلیغات اسلامی و فرایند اسلامی شدن آن سرزمین بازمی گردد، چرا که همواره در کنار اکثریت مسلمانان سنی گروهی از شیعیان نیز در ماجرای فتوح حضور یافته و در کنار اهداف مادی و معنوی مشترک با سایر مسلمانان در صدد بودند تا با مشارکت در امور عمومی اسلام جایگاه خود را در قلمروی قدرت حفظ کرده و هر گونه بهانه را از هم کیشان مخالف خود مبنی بر عدم همراهی با عامه مسلمانان از آنان سلب نمایند. از این رو شماری از شیعیان در جریان فتح اندلس حضور یافته بودند. از

آن جمله می توان از وجود فرزندان صحابه نخستین و همچنین تعدادی از تابعین که در جریان فتح اندلس از خود رشادت ها نشان دادند و موسی بن نصیر را در فتح مناطق شمالی اندلس همراهی کردند و یکی از آنها تا پایان عمر، عمارت سرقسطه را بر عهده داشت. این افراد و کسان دیگری چون آنها می توانستند زمینه لازم را برای گسترش اولیه تشیع در اندلس یا دست کم در بخش های تحت نفوذشان فراهم نمایند. با تأسیس حکومت مستقل اموی در اندلس حرکت ها و جنبش هایی از سوی همین افراد برپا شد و امویان بی درنگ با این قیام ها و حرکت ها که رنگ و بوی شیعی داشت به مبارزه برخاستند و آنها را بدون هیچ ملاحظه ای سرکوب کردند.

یکی دیگر از راههای ورود تشیع به اندلس قبایل بربر به شمار می رفتند زیرا شمال آفریقا و اندلس زمینه بسیار مناسبی برای ترویج تشیع محسوب می شد. نخستین نفوذ تشیع در اندلس در میان بربرهایی بود که در فتوحات با اعراب مشارکت داشتند. شاید بتوان گفت بربرها بیشترین نقش را در فتح آن سرزمین داشتند. پس از فتح اندلس به دلیل تعصبات عربی فرماندهان سپاه مورد بی مهری قرار گرفتند و در یک اقدام تبعیض آمیز از سهم برابر در تقسیم غنائم و اموال محروم ماندند به گونه ای که اعراب زمین های حاصلخیز و دشت های زرخیز را برای خود برداشتند و مناطق کوهستانی و تپه های ناهموار را به بربران واگذاشتند. این اقدامات ناعادلانه خشم و کینه بربران را برانگیخت و آنان را به شعارهای شیعی که مبتنی بر عدالت و مساوات همگانی بود متمایل ساخت. قبایل بربر در اندلس بیشتر در مناطق کوهستانی و مرتفع بویژه رشته کوههایی که در میان شبه جزیره امتداد داشت استقرار یافتند، منطقه ای که به نام «الجوف» شناخته می شود. همینطور در مناطق کوهستانی در جنوب شرق اندلس در منطقه البیره بی عدالتی اعراب نسبت به بربرها زمینه شورش آنها را در زمان حکومت اموی فراهم ساخت و منجر به بزرگترین حرکت و قیام شیعی در اندلس که یک انقلاب بربری بین سال های ۱۵۱-۱۶۰ق به زعامت شقیان بن عبدالواحد مکناسی شد. شاید بتوان این قیام را نخستین اقدام برای تأسیس دولت شیعی در مغرب دانست زیرا این قیام بیست سال پیش از قیام ادریسیان علوی برپا شده است و این قیام نشان داد که تبلیغات شیعی در میان بربرها می تواند نتیجه بخش باشد.

تأسیس دولت ادریسی در مغرب بازتاب گسترده ای در میان بربران داشت. آن چه دعوت ادریسیان را سرعت بیشتری بخشید هدف بربرها در اطاعت از دولت ادریسیان برای رهایی کامل از سلطه حکام

ستمگر عباسی بود زیرا هدف آنها پیش از آن که دینی باشد سیاسی بود و این همان چیزی بوده است که ادریسیان را در رسیدن به مقصودشان بیشتر کمک می کرد. این خلدون دولت اداری را دولت غیر عربی می داند و معتقد است کسانی که ادریسیان را به حکومت رساندند همه از نژاد بربر بوده اند و جز گروهی اندک در میان آنها عرب نبود. ادریسیان بسیاری از بربرها را با اندیشه های شیعی آشنا ساختند. این امر خاصه به سبب تعاملات گسترده بربران مغرب و اندلس می توانست اسباب آشنایی و علاقمندی اندلسی ها را به افکار و آموزه های شیعی فراهم سازد. در واقع می توان گفت دولت شیعی ادریسیان یکی از مهمترین عوامل تغذیه کننده تشیع در اندلس به شمار می رفت و به آن رنگ و بوی فرهنگی جدیدی بخشید.

انتقال فرهنگ و آموزه های شیعی به اندلس که این امر از سه راه تحقق یافت:

الف) سفرهای علمی: بسیاری از اندلسی ها برای کسب دانش و فرهنگ اسلامی از زادگاه خود راهی مشرق شدند و پس از بازگشت اندیشه های شیعی را با خود به همراه آورده و هر یک با شیوه خاص خود آنها را در اندلس رواج دادند.

ب) فلسفه و مکاتب کلامی و عقلی موجود در مشرق زمین روزنه دیگری برای ورود فرهنگ شیعی به اندلس به شمار می رود بویژه پس از آن که عراق درهای خود را بر روی طالبان علم اندلس باز نمود.

ج) سومین روزنه انتقال تشیع به اندلس تألیفات شیعی بود. این کار توسط اندلسی هایی که برای کسب علم و دانش به مشرق رفته بودند صورت گرفت. این افراد پس از بازگشت به اندلس بسیاری از کتاب های شیعی را به اندلس آوردند.

علیرغم رشد اندیشه های مختلف علمی و دینی در اندلس (در دوره اسلامی) به سبب وجود موانع، راه برای توسعه و تثبیت اندیشه های شیعی در آن سرزمین هموار نگردید. این پژوهش در صدد است تا به اختصار علل عدم گسترش تشیع در اندلس را بررسی کند.

۱-۲ هدف و ضرورت تحقیق

بررسی چگونگی راهیابی اندیشه های شیعی به اندلس، موانع، مشکلات و چالش های آن، دستیابی به ابزارها و شیوه های ناموفق در گسترش تشیع و موانع ایجاد شده از سوی حکمرانان اندلس از اهداف این تحقیق می باشد. به رغم آن که مطالعات و پژوهش های گسترده ای درباره اوضاع سیاسی، دینی، فرهنگی و اجتماعی اندلس صورت گرفته، اما پژوهش جامع و کاملی درباره تاریخ تشیع

به صورت عام و بررسی و عوامل ناکامی انتشار تشیع در آن سرزمین به طور خاص انجام نشده است. با توجه به این که تشیع از سده دوم هجری به طور گسترده در شمال آفریقا و مغرب انتشار یافته و چند حکومت شیعی در مغرب دور و دیگر نواحی شمال آفریقا پدید آمده بود، انتظار می رفت که تشیع بتواند به اندلس نیز راه یابد. اما پژوهش و تحقیق در این زمینه نشان می دهد که حاکمیت سنی اندلس از تمام ابزارها و تدابیر لازم برای پیشگیری از انتشار گسترده تشیع در اندلس بهره برده است. از این رو پرداختن به علل و عوامل و زمینه های ناکامی تبلیغات شیعیان در اندلس و نیز علل ناپایداری این مذهب در آن سرزمین موضوعی بدیع و پژوهشی نوآورانه خواهد بود.

۳-۱ سؤال اصلی

علل عدم رواج و گسترش تشیع در اندلس طی سال های حضور حاکمیت اسلامی چه بوده است؟

۴-۱ سؤال های فرعی

الف): اندیشه های شیعی چگونه به اندلس راه یافت؟ موانع، مشکلات و چالش های آن چه بود؟
ب): ابزارها و شیوه های شیعیان برای ترویج تشیع و موانع ایجاد شده از سوی حکمرانان اندلس چه بوده است؟

ج): علل و عوامل ناکامی دولت شیعی بنی حمود در انتشار گسترده تشیع در اندلس چه بود؟

۵-۱ فرضیه اصلی

ناپایداری تشیع در اندلس ناشی از مقابله فعالانه دولت اموی از قبیل: مبارزه فراگیر با حکومت های شیعی در خارج از اندلس، پشتیبانی از مذهب مالکی و با شیعیان بود و بعد از دوره امویان مبارزه مرابطون با اندیشه های شیعی و استفاده ابزاری از مهدویت را می توان بیان کرد.

۶-۱ فرضیه های فرعی

الف): اندیشه های شیعی از طریق فاتحان مسلمان، بربرها، انتقال فرهنگ و آموزه های شیعی (سفرهای علمی، مکاتب کلامی و فلسفی و تألیفات شیعی) به اندلس راه یافت. حاکمیت متعصبانه امویان از موانع چالشی پیش روی شیعه در اندلس بوده است.

ب): شیعیان به دلیل دوری از ساختار قدرت و محرومیت از ابزارهای رسمی-نمازهای یومیه و نماز جمعه-همواره کوشیده اند تا باورها و اندیشه های خود را از طریق نگاهشده های ادبی، سفرنامه ها، تذکره ها و مقتل ها به گوش دیگران برسانند؛ اما فرهنگ سازی علیه اندیشه های شیعی، مبارزه با مبانی و نمادهای شیعه و تلاش جهت بدنامی و تنفر مردم اندلس از این اندیشه ها موانع ایجاد شده از سوی حکمرانان اندلس بوده است.

ج): به نظر می‌رسد به دلیل ناپایداری و تشیع سطحی خلافت حمودی و فقدان تفکرات کلامی مدون و فلسفه نظام یافته و عدم استواری مبانی فقهی، تشیع در آنجا استوار نشد.

۱-۷ پیشینه پژوهش

مسلمانان در سال ۹۲ق/۷۱۱م اندلس را فتح کردند. با تسلط مسلمانان بر اندلس به مرور آیین و فرهنگ اسلامی در میان ساکنان آن جا گسترش یافت. منابع و اسناد تاریخی و جغرافیایی حاکی از حضور سیاسی و اجتماعی نسبی علویان و به تبع آن اندیشه های شیعی در سده های نخستین در اندلس است. محققان نسبت به این مسأله سه رویکرد را در پیش گرفته اند: رویکرد اول: به وجود تشیع در اندلس اذعان داشته، تشیع اندلس را نامحسوس و سطحی معرفی نموده است. نمونه بارز این رویکرد دیدگاه محمود علی مکی است که به عنوان اولین پژوهشگر معاصر به این موضوع پرداخته است. رویکرد دوم: در این رویکرد سعی شده وجود تشیع در اندلس نفی گردد. نمونه بارز آن دیدگاه عبدالسلام هراس و عزالدین عمر موسی است. رویکرد سوم: این رویکرد وجود تشیع در اندلس را به رسمیت می‌شناسد. نمونه بارز این رویکرد دیدگاه عبداللطیف سعدانی و ابوالفتح دعوتی است.

تحقیقات موجود در این باره از شمار انگشتان دست فراتر نمی‌رود. یکی از این پژوهش‌ها توسط محمود علی مکی تحت عنوان *التشیع فی الاندلس منذ الفتح حتی نهاییه الدوله الامویه* نگاشته شده است. مکی بطور خلاصه معتقد است که تشیع در اندلس حتی در بهترین دوران خود حضوری کم رنگ داشته است. وی در این رابطه می‌گوید: "می‌توان گفت که تشیع حمودیان بطور کلی یک تشیع کم رنگ و سطحی بوده و در آن هیچ اثری از شخصیت اندلسی یافت نمی‌شود. همچنین تشیع مزبور سطحی و بدون عمق بوده و تنها به ظواهر امور اختصاص می‌یافت و در بسیاری از موارد شکل دروغین و ساختگی به خود می‌گرفت. او در این کتاب به طور مختصر از تشیع در اندلس سخن به میان آورده و دیدگاههایی را مطرح کرده است. مقاله ای هم با همین عنوان بر گرفته از کتاب فوق توسط همین نویسنده در مجله «المعهد المصری» به چاپ رسیده است.

دیگر سه مقدمه ای است که محققان گوناگون بر کتاب *درر السمط فی خبر السبط* تألیف ابن ابار نگاشته اند. مقدمه اول توسط عبدالسلام هراس و سعید احمد اعراب در سال ۱۹۷۲م و مقدمه دوم توسط عزالدین عمر موسی به سال ۱۹۸۷م نگاشته شده که هر دو وجود تشیع را در اندلس نفی کرده و حتی مدعی اند تشیع هیچ راهی برای ورود به اندلس نیافته است. اما مقدمه سوم که دیدگاهی مخالف با دو مقدمه قبلی دارد، توسط ابوالفتح دعوتی در ۲۰۰۱م نگاشته شده و وجود تشیع در اندلس را به رسمیت می‌شناسد. اطلاعات ارائه شده از سوی این پژوهشگران در مقدمه تحقیقات در مورد تشیع در اندلس با توجه به رویکرد اعتقادی و فکری آنها متفاوت است. همچنین عبدالسلام

هراس پژوهشی تحت عنوان "ماساه الامام الحسين (ع) في الشعر الاندلسي" منتشر کرد. او هر چند اذعان دارد که اندلسی ها در جریان شیعه و مذاهب آن قرار داشتند و تبلیغات فاطمی ها در مغرب و اندلس بسیار قوی و فعال بوده اما اندیشه شیعه انتشار نیافت زیرا به گفته او "به اندیشه های شیعی فرصت انتشار در میان اندلسی ها داده نشد چرا که آنها به این اندیشه ها پاسخ مثبت ندادند. البته این امر تنها نشأت گرفته از اموی بودن آنها نیست بلکه اندیشه اندلسی که عنصر آفریقایی-مغربی در شکل دادن به آن تا اندازه زیادی نقش داشت محافظه کار بود و از وجود مذاهب و گرایشهای بسیار بیزار بود و از جر و بحث در مورد دین و اعتقادات دوری می‌گزید. علاوه بر همه اینها باید به عامل مهم دیگری نیز اشاره داشت و آن اینکه اندلس مسلمان در آن زمان همواره از سوی مسیحیانی که در یک جبهه با یکدیگر متحد بودند در معرض خطر قرار داشت و مسلمانان اندلس از سوی سرزمینهای مسیحی امتداد یافته تا دروازه بابویه در معرض تهدید قرار داشتند و به همین دلیل باید بر وحدت دین و عقیده و حتی وحدت مذهب فقهی تاکید می‌کردند تا اتحاد جامعه اسلامی حفظ شود. جامعه ای که با دشمن متحد دین و مذهب خود روبرو بود و به همین دلیل اجازه حضور و گسترش به هیچ مذهب دیگری که بخواهد این وحدت را متزلزل کند نمی‌داد.

پژوهش دیگری که وجود تشیع را در اندلس اثبات می‌کند، اثر عبداللطیف سعدانی تحت عنوان «حركات التشيع في المغرب و مظاهره» است. نویسنده این اثر با اشاره به دولت حمودیان بر آن است تا وجود تشیع در اندلس را به اثبات برساند.

افزون بر آثار یاد شده باید از پایان نامه هایی که درباره موضوع نگاشته شده یاد کرد از آن جمله: پایان نامه کارشناسی ارشد آقای عبدالامیر عناد غزالی تحت عنوان "ادبیات تشیع در اندلس" است. غزالی همچنین پژوهشی تحت عنوان "الحسين عليه السلام في الشعر الاندلسي" منتشر کرده است. او در این پژوهش موضوع جدیدی را مطرح نکرده و تنها به تحقیق پیشین خود استناد جسته است. دیگر رساله دکتری عیسی سلیمان درویش تحت عنوان "التشيع في الشعر الاندلسي" است که تشیع را از منظر شعر شاعران مورد توجه قرار داده است. همچنین دکتر عدنان محمد آل طعمه با ارائه دو تحقیق تحت عنوان "بحر بن صفوان شاعر اهل البيت" و "ابن مقانا الاشبوني شاعر الدولة الحموديه في الاندلس" بر آگاهی ها نسبت به این موضوع افزود.

دکتر احمد رضا خضری نیز در مقاله ای با عنوان «حمودیان و تشیع در اندلس» بر آن است که چرایی و چگونگی خلافت امویان پس از سقوط به حمودیان انتقال یافت نخست زمینه های ظهور حمودیان را تعیین نموده و آن گاه نقش آن خاندان را در گسترش تشیع و حمایت از اندیشه های شیعی تحلیل کرده است.